

معرفی کتاب

«جغرافیای سیاسی جهان اسلام»*

مقدمه

کتاب جغرافیای سیاسی جهان اسلام در نه فصل سامان یافته است. فصل اول: سیری در تحولات جغرافیای سیاسی؛ فصل دوم: پیدایش اسلام و جایگاه شبه جزیره عربستان؛ فصل سوم: جغرافیای سیاسی مرکز جهان اسلام؛ فصل چهارم: جغرافیای شرق جهان اسلام؛ فصل پنجم: جغرافیای شمال جهان اسلام؛ فصل ششم: جغرافیای غرب جهان اسلام؛ فصل هفتم: برداشت اسلام و جهان غرب از یکدیگر و پیامدهای ژئوپولیتیکی آن؛ فصل هشتم: وحدت جهان اسلام؛ فصل نهم: مناطق بحران‌زای جهان اسلام از بعد ژئوپلتیک:

معرفی مطالب و فصول کتاب

در فصل اول به بررسی ادبیات و قلمرو جغرافیای سیاسی، نقش و ماهیت جغرافیای سیاسی و تجزیه و تحلیل قدرت از دیدگاه جغرافیای سیاسی پرداخته است.

در فصل دوم، نقش سازمان کنفرانس اسلامی در ایجاد وحدت جهان اسلام و در مقابل نقش تشتت آفرین شورای همکاری خلیج [فارس] مورد بررسی قرار گرفته است. از پیشگامان طرح سازمان کنفرانس اسلامی سران کشورهای ایران، عربستان و مراکش هستند که در سال ۱۹۶۹ کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در قاهره را تشکیل دادند. این سازمان (سکا) سه رکن دارد: ۱. کنفرانس سران کشورهای اسلامی (رؤسای جمهور - پادشاهان)؛ ۲. کنفرانس وزرای امور خارجه؛ ۳. دبیرخانه. اولین کنفرانس سران کشورهای اسلامی از ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ در شهر رباط مراکش برگزار گردید. در خصوص شورای همکاری خلیج [فارس] به اهداف تشکیل آن، پایه‌گذاری سیستم امنیت دسته‌جمعی، حضور نظامی امریکا و کنترل بحران‌های منطقه‌ای پرداخته است.

در فصل سوم، کشورهای ترکیه، سوریه، عربستان، عمان، عراق به عنوان کشورهای مرکز جهان

* عزت‌الله عزتی، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، قم: واحد تدوین کتب درسی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. در مورد تمام این کشورها، موقعیت و کلیات جغرافیایی و ژئوپولیتیکی آنها، کلیات انسانی و سیاست و حکومت، اهمیت استراتژیک و بحران‌هایی که با آن مواجه هستند تحلیل شده است.

ترکیه: کشوری آسیایی - اروپایی است که ۹۷ درصد آن (شبه جزیره آناتولی) در آسیا و ۳ درصد آن (شبه جزیره تراس) در اروپا قرار دارد. مشکلات عمده این کشور عبارتند از: ۱. اختلاف با یونان؛ ۲. وجود گرایش‌های مذهبی در داخل کشور؛ ۳. سابقه نقض حقوق بشر به ویژه در مورد اکراد و اصرار اروپا بر عدم انطباق شرایط ترکیه با اصول دموکراسی غربی؛ ۴. شرایط دشوار اقتصادی ترکیه؛ ۵. تمایل کشورهای اروپای شرقی به پیوستن به اتحادیه اروپا که خود را مقدم بر ترکیه می‌دانند. بسترهای فعالیتی ترکیه جهت دستیابی به موقعیت برتر یا حفظ موقعیت قبلی خود در استراتژی جدید جهانی و منطقه‌ای غرب به خصوص آمریکا از این قرار است:

۱. عرصه اقتصادی با دو هدف: الف) تفاهم و ایجاد اشتراک منافع با غرب؛ ب) رسیدن به سطحی از رشد اقتصادی که شرایط برای پیوستن به جامعه اروپا را تسهیل کند؛
 ۲. عرصه سیاست خارجی: الف) تهدیدهایی که از جانب حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی علیه منافع غرب در جهان اسلام روی می‌دهد فرصت مناسب را در اختیار ترکیه برای مهار اسلام‌گرایان قرار می‌دهد. چیلر نخست وزیر سابق ترکیه اظهار داشته: «اروپا نیز به یک ترکیه لائیک همواره نیازمند است». (ص ۷۱؛ ب) اسرائیل و روند صلح خاورمیانه: حاکمان ترکیه دوستان قدیمی و قابل اعتماد آمریکا در مورد اسرائیل تلقی می‌شوند؛ ج) موقعیت ژئوپولیتیکی ترکیه از نظر نظامی: بعد از فروپاشی شوروی و تغییرات پیش آمده در بالکان، آسیای مرکزی، خلیج فارس و ...، ترکیه در موقعیتی قرار داشت که در ایجاد ثبات یا بر هم زدن ثبات می‌توانست تأثیرگذار باشد.

بحران آب در خاورمیانه و جایگاه ترکیه: در ترکیه آب فراوان است؛ اما ۴۰ درصد از زمین‌های کشاورزی آن در جنوب شرقی آناتولی قرار دارد که کم آب است. در سال ۱۹۸۳ طرح «عمران آناتولی شرقی» (سیزده طرح) را ترکیه آغاز کرد. این طرح نگرانی سوریه و عراق در مورد کاهش آب رودهای فرات و دجله برای طرح‌های کشاورزی و صنعتی‌شان را برانگیخت. سوریه و عراق هراس دارند که سد آتاتورک بر روی رود فرات باعث شود که آنها به آب ترکیه متکی شوند. بعضی نیز می‌گویند که این یک توطئه علیه عراق است. در سال ۱۹۸۷ ترکیه سوریه را به بهانه حمایت از تروریست‌های کرد تهدید به کاهش جریان آب فرات کرد. بی‌تردید نزاع بین عراق، سوریه و ترکیه بر سر آب فقط از طریق یک موافقت نامه روشن بین سه کشور از میان خواهد رفت.

سوریه: مسأله عمده امنیتی سوریه از ناهمواری‌های موجود در مرزهای مشترک با لبنان، اسرائیل و ترکیه نشأت می‌گیرد. در قسمت شمال ارتفاعات به عنوان پایگاه‌های اطلاعاتی و نظامی ترکیه موجب اختلاف سوریه با این کشور شده و ارتفاعات جولان، گر چه بعد از فروپاشی شوروی ارزش استراتژیک خود را از دست داده، ولی به عنوان یک منبع دائمی تأمین آب اسرائیل است و تا زمانی

که اسرائیل یک منبع آب مطمئن پیدا نکند جولان را ترک نخواهد کرد. دو نکته مهم در مورد سوریه حائز اهمیت است: ۱. یکپارچه کردن هویت سوری که در تعارض با پان عربیسم منطقه قرار دارد؛ ۲. فقدان کانون جغرافیایی واحد آشکارا مانع همبستگی و یکپارچگی سوریه است. دمشق و حلب به طور سنتی رقیب یکدیگر بوده‌اند.

عربستان: اقتصاد عربستان به طور کامل وابسته به نفت است، گر چه به لحاظ تولید گندم خودکفاست.

تحلیل ژئوپلیتیکی که این کتاب در مورد منابع و عوامل مثبت در عربستان ارائه داده عبارت است از: ۱. وجود حرمین شریفین؛ ۲. ذخائر عظیم نفت؛ تولید هفت میلیون بشکه در روز؛ ۳. داشتن اشتراکات قومی، زبانی و فرهنگی عربستان با سایر کشورهای عرب خاورمیانه که موجب شده این کشور به راحتی در کشورهای منطقه نفوذ کند؛ ۴. پل ارتباطی برای استراتژی انرژی است. بیشترین کشتی‌های تجاری که از منطقه تنگه هرمز عبور می‌کنند مقصدشان عربستان است.

عوامل منفی داخلی و خارجی مؤثر در قدرت و نفوذ عربستان از این قرار است: عوامل داخلی: ۱. کمبود نیروهای ماهر، کارآمد و نخبه؛ ۲. وجود اقلیت‌های مذهبی؛ ۳. ساختار اقتصادی - نظامی دچار ضعف. عوامل خارجی: ۱. موج اسلام‌گرایی سیاسی؛ ۲. بی‌ثباتی بازار نفت؛ ۳. وجود اختلافات مرزی با همسایگانش.

عمان: به دلیل قرار گرفتن در گذرگاه استراتژیک هرمز دارای موقعیت استراتژیک و ارتباطی بین آسیا و اروپاست. جزایر موریان، مصیره، شبه جزیره مسندام بر ارزش استراتژیک این کشور می‌افزاید. برای عمان مسأله مرزهای آبی مهم است. بیشتر کشورها مدعی‌اند حد مرز آبی عمان دوازده مایل دریایی است؛ اما اسرائیل شش مایل دریایی را قبول دارد و برای اردن، قطر، امارات متحده عربی سه مایل دریایی. در کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۸۲، دوازده مایل دریایی و دویست مایل منطقه انحصاری اقتصادی به عنوان مرز آبی تعیین شد.

عراق: در عراق با توجه به جمعیت ۲۰ درصدی اکراد، مسأله اکراد از اهمیت زیادی برخوردار است. در این قسمت مؤلف به تحلیل ژئوپلیتیکی بحران اکراد و علل همگرایی کردها پرداخته است. در فصل چهارم، کشورهای افغانستان، پاکستان، اندونزی به عنوان کشورهای شرق جهان اسلام مورد بررسی قرار گرفته است.

افغانستان: این کشور با پاکستان بر سر پشتونستان بلوچستان اختلاف دارد. در مورد طالبان، پس از اشغال افغانستان توسط شوروی، گروهی از افغان‌ها از جمله ملا عمر در مدارس پاکستانی مشغول تحصیل شدند و بعدها گروه طالبان را تشکیل دادند. به لحاظ فکری طالبان از شاگردان سمیع الحق و فضل‌الرحمان محسوب می‌شدند. بعد از خروج روس‌ها از افغانستان، دو جناح مجاهدان، ربانی و حکمتیار، در رقابت با یکدیگر کشور را اداره می‌کردند. طالبان با استفاده از سیاست تطمیع همه حتی مقامات رده بالای دولت ائتلافی ربانی و با تجهیزات نظامی پیشرفته، شهرهای قندهار و سپس کابل

را تصرف کردند. همسایگی افغانستان با ایران، و بعد از فروپاشی شوروی با سه کشور آسیای میانه، نقش پل ارتباطی را به این کشور داده است.

پاکستان: این کشور در سال ۱۹۴۷ به رهبری محمدعلی جناح از هند استقلال یافت. پاکستان و امریکا در افغانستان منافع مشترک دارند. به طور کلی پاکستان از بسیاری جهات کشوری موفق ارزیابی شده است. سیاست و حکومت، احزاب سیاسی پاکستان، ائتلاف‌های سیاسی، تحلیل ژئوپلیتیکی، روی کار آمدن بی‌نظیر بوتو و... از رؤس مطالبی است که نویسنده به آنها پرداخته است. اندونزی: بزرگ‌ترین مجمع‌الجزایر جهان واقع در جنوب شرق آسیاست. چهارمین کشور پر جمعیت جهان و پر جمعیت‌ترین کشور اسلامی است. ۸۷ درصد مردم آن مسلمان هستند. قطعه قطعه بودن کشور، تجاوز به آن را دشوار می‌سازد و از طرف دیگر، چنانچه جنگ نامحدودی در جهان رخ دهد اشغال اندونزی حتمی است. تنگه مالاکا یک گذرگاه استراتژیک است. همچنین بزرگ‌ترین ذخایر نفت جنوب شرقی آسیا در اختیار این کشور قرار دارد. اندونزی از پایه‌گذاران جنبش عدم تعهد به شمار می‌رود. در سال ۱۹۴۵ اعلام استقلال کرد و در سال ۱۹۵۶ سوکارنو سیاست «دموکراسی هدایت شده» را مطرح نمود.

در فصل پنجم، کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و تاجیکستان به عنوان کشورهای شمال جهان اسلام مورد تحلیل قرار گرفته است. اکثر این کشورها دارای ذخایر عظیم نفت و گاز هستند که این امر باعث شده سرنوشت مشابهی با کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس داشته باشند.

جمهوری آذربایجان: این کشور در سال ۱۹۹۱ به استقلال رسید. آذربایجان علاوه بر سرزمین اصلی، دارای دو منطقه خود مختار نخجوان - که از سرزمین اصلی کاملاً جداست - و ناگورنو قره‌باغ است. نخجوان دارای یک مجلس عالی و یک مجمع وزیران است و ناگورنو قره‌باغ نیز دارای شورای عالی است. منطقه قره‌باغ اعلام استقلال کرد، ولی از طرف جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته نشد. با اعلام استقلال قره‌باغ، بین آذربایجان و ارمنستان جنگ اتفاق افتاد که ارمنی‌ها در این جنگ پیروزی بیشتری یافتند و سرانجام با استقرار نیروهای حافظ صلح کشورهای مستقل مشترک المنافع، آرامش در منطقه حاکم شد.

ترکمنستان: به علت مرزهای خشکی و آبی با ایران از اهمیت برخوردار است. کانال قره‌قوم شریان حیاتی ترکمنستان محسوب می‌شود؛ البته استفاده از این کانال فاجعه زیست محیطی خشک شدن تدریجی دریاچه آرال را باعث گردیده است. این مسأله می‌تواند در آینده یکی از عوامل بروز تشنج و بحران در منطقه آسیای میانه باشد. ترکمنستان کم جمعیت‌ترین کشور آسیای مرکزی است. دین رسمی وجود ندارد و ۷۳ درصد مردم این کشور مسلمان هستند. این کشور پس از استقلال، برای کاستن از فشارهای همسایگان (روسیه، ازبکستان و ایران) به غرب روی آورد و به علت داشتن منابع نفت و گاز، غرب نیز از آن استقبال کرد.

تاجیکستان: بخشی از نقش ژئوپلیتیک تاجیکستان به دلیل رودهای سیحون و جیحون است، زیرا

وجود سرچشمه‌های این دو رود مهم در این کشور که منبع عمده تأمین آب کشاورزی ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان به شمار می‌آید، اهمیت استراتژیکی ویژه‌ای به تاجیکستان داده است. مشکل دیگر تاجیکستان، درگیری و نزاع با ازبکستان بر سر منطقه اُزبک نشین خجند و شهرهای تاریخی بخارا و سمرقند که مهد فرهنگ تاجیک است می‌باشد. تهدید دیگر برای تاجیکستان از ناحیه روسیه است که به بهانه اقلیت روس در این جمهوری و نیز منافع اقتصادی روسیه در منطقه نفوذ خود در تاجیکستان را حفظ کرده است. تاجیکستان تنها کشور فارسی زبان آسیای مرکزی است و نیز تنها کشور این منطقه است که جمعیت قابل توجه شیعه اسماعیلی با ارتباطات قوی بین‌المللی در آن ساکن هستند.

در فصل ششم، کشورهای مصر، الجزایر، مراکش به عنوان کشورهای غرب جهان اسلام مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

مصر: اهمیت مصر نه تنها به دلیل تقاطع سه قاره در این منطقه، بلکه به دلیل مجاورت آن با دریایی است که نقطه آغازین روابط بین الملل بوده است. موقعیت جغرافیایی مصر به نحوی است که در ادوار گذشته، دروازه نفوذ قدرت‌های غربی به منطقه جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) بوده است. هم‌اکنون بین مصر و خاورمیانه یک ارتباط تنگاتنگ استراتژیکی برقرار است که در ژئواستراتژیکی ریشه دارد. امروزه حدود ۱۰ درصد صادرات نفتی منطقه خلیج فارس به ایالات متحده و اروپای غربی از طریق کانال سوئز انجام می‌شود. البته امروز، سیاست بر این است که از اهمیت ژئوپلیتیک کانال سوئز کاسته شود. در خصوص رابطه مصر با دنیای خارج، این کشور از سیاست خاصی پیروی می‌کند. همچنین اخیراً مصر در بازیابی وجهه خود در بین کشورهای عربی توفیق زیادی پیدا کرده است. این کشور در حالی که در حالت صلح سرد با اسرائیل به سر می‌برد، از کمک‌های اقتصادی و نظامی بلاعوض آمریکا سود می‌برد، به طوری که بعد از اسرائیل دومین کشور استفاده کننده از این کمک‌هاست. مصر از اعضای مهم و فعال سازمان ملل متحد می‌باشد. دیپلماسی این کشور از تحرک چشم‌گیری در مجمع عمومی شورای امنیت، کمیسیون‌های مربوط و کارگزاری‌های تابعه آن سازمان برخوردار است و عضو اکثر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است.

الجزایر: جمعیت الجزایر یکی از جوان‌ترین جمعیت‌های جهان است. یکی از معضلات جمعیتی این کشور مهاجرت است که به اشکال مختلف صورت می‌گیرد. یکی، مهاجرت از روستاها به شهرها، و دیگری، مهاجرت از شهرها به کشور فرانسه. فعالیت‌های الجزایر در صحنه بین‌المللی بلند پروازانه بوده و از آغاز استقلال از برجسته‌ترین اعضای جنبش عدم تعهد بوده است. الجزایر با فرانسه نسبت به هر کشور دیگری، روابط بیشتری داشته است، با این حال، روابط این دو کشور گهگاه دچار تعارضاتی گردیده است. ثبات الجزایر ضامن ثبات مدیترانه غربی است و این برای اروپا اهمیت زیادی دارد.

مراکش: مراکش و به طور کلی همه کشورهای شمال افریقا از نقشی که دریای مدیترانه در

استراتژی‌های جهانی طی بیش از سه هزار سال گذشته داشته، متأثر بوده‌اند. تا سال ۱۹۹۰ میلادی دو عامل عمده موجب اهمیت استراتژیک شمال آفریقا شده بود: یکی، جنگ سرد و دیگری، امنیت منطقه‌ای و توسعه‌طلبی. در مورد امنیت منطقه‌ای در شمال آفریقا، بخش عمده نگرانی اروپا ناشی از دو موضوع است که می‌تواند به یک مناقشه در منطقه تبدیل شود: ۱. مناقشه بالقوه بین الجزایر و مراکش در مورد صحرای غربی است که مراکش پس از عقب نشینی اسپانیا در فوریه ۱۹۷۶، آن را ضمیمه خاک خود کرد. مسأله صحرا بارها استمرار همبستگی آفریقایی‌ها را به مخاطره افکنده است؛ ۲. مناقشه فرهنگی بین لیبی و چاد که این مناقشه بر سر نوار «آوزو» به اوج خود رسید. نکته جالب این که در اختلافات بین کشورهای شمال آفریقا هنوز هم قدرت‌های استعمارگر ایفای نقش می‌کنند. در فصل هفتم، برداشت اسلام و جهان غرب از یکدیگر و پیامدهای ژئوپولیتیکی آن مورد بررسی قرار گرفته است. تلقی غربی‌ها از اسلام همیشه با واژه خارجی همراه بوده و آن را تفکری مبارزه‌جو، متکی به نفس و در حالت تهاجمی می‌دانند. برداشت مسلمانان از غرب در دو موضوع کلیدی مشخص می‌شود: ۱. وارونه شدن برتری درازمدت تمدن اسلامی؛ ۲. احساس مسلمانان مبنی بر این که از سوی غرب تحت محاصره و سلطه قرار گرفته و از موضعی ضعیف و آسیب‌پذیر عمل می‌کنند. در این فصل، وضعیت رهبری در جهان اسلام، دخالت دولت‌های غربی، ضعف اسلامی و ... تحلیل شده است.

در فصل هشتم، موضوع وحدت جهان اسلام بررسی گردیده و عوامل تسریع‌کننده وحدت مسلمانان را چنین برشمرده است: ۱. نارضایتی عمیق داخلی؛ ۲. وقایع مهم بین‌المللی که مسلمانان در آن قربانی اعمال غرب تلقی می‌شده‌اند؛ ۳. به قدرت رسیدن جنبش‌های رادیکال اسلامی. همچنین عوامل بازدارنده وحدت جهان اسلام را مؤلفه‌های چون: قوم‌گرایی و نژادپرستی که باعث سوء ظن یا حتی نزاع می‌شود و انتخاب خط مشی‌های امنیتی متفاوت، دانسته است. به طور عمده دو عامل در برداشت‌های امنیتی دولت‌های مسلمان اثر می‌گذارند. اختلافات ایدئولوژیک و نفت. ترس از همسایگان رادیکال موجب شده که بسیاری از کشورهای نفت خیز، ترجیح دهند با غرب روابط امنیتی برقرار سازند تا این که به هر مجموعه امنیتی بین‌الملتی‌های عرب و مسلمان اعتماد کنند. به طور خلاصه، آنچه موجب تمایز دولت‌های مسلمان می‌شود، اختلاف در ماهیت طرز تفکر، اقتصاد و ژئوپولیتیک است. در این فصل، اسلام به عنوان عامل تسریع رشد دولت‌های فقیر و نیز چگونگی اتخاذ سیاست‌های اسلامی در مقابل غرب مورد کاوش قرار گرفته است. فصل نهم، به بررسی مناطق بحران‌زای جهان اسلام از بعد ژئوپولیتیک اختصاص یافته و در این راستا منطقه مدیترانه، مرزهای ترکیه در بالکان، آسیای مرکزی، چین، آسیای جنوب شرقی، آفریقا و آمریکای شمالی، تحلیل و بررسی شده است.

طاهره کنعانی